

رابطه انسجام خانوادگی و الگوی ارتباطات خانواده با رفتار قلدری نوجوانان دختر: تحلیل نقش میانجی فرزندپروری ادراک شده

مژده معصومی^{۱*}، یاسمن نوروزی^۲، مختار عارفی^۳

۱. دانشجوی دکتری تخصصی، گروه روان‌شناسی، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران.

۲. دانشجوی دکتری تخصصی، گروه روان‌شناسی، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران.

۳. نویسنده مسئول: دانشیار، گروه روان‌شناسی، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران. رایانامه: sajjadi.sacid@ut.ac.ir

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۵/۲۵

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۴/۲۳

چکیده:

هدف این پژوهش بررسی تأثیر انسجام خانوادگی و الگوی ارتباطات خانواده بر رفتار قلدری نوجوانان دختر با تأکید بر نقش میانجی سبک‌های فرزندپروری ادراک‌شده بود. جامعه آماری شامل ۳۸۴ نفر از دانش‌آموزان دختر ۱۳ تا ۱۷ ساله در سال ۱۴۰۳ بودند که به روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. یافته‌های پژوهش با استفاده از مدل‌یابی معادلات ساختاری به دست آمدند. ابزار اندازه‌گیری شامل پرسشنامه انسجام محیط خانوادگی موس (۲۰۰۹)، پرسشنامه الگوی ارتباطات خانواده ریچی و فیتزپاتریک (۱۹۹۰)، پرسشنامه قلدری ایلی نویز (۲۰۰۱) و مقیاس فرزندپروری ادراک شده گرولینک (۱۹۹۷) بود. نتایج تحلیل مسیر نشان داد که انسجام خانوادگی و الگوی ارتباطات خانواده به‌طور مستقیم تأثیر منفی و معناداری بر رفتار قلدری دارند. از سوی دیگر، یافته‌ها نشان داد سبک‌های فرزندپروری ادراک‌شده نقش میانجی معناداری در رابطه بین متغیرهای خانوادگی و رفتار قلدری ایفا می‌کند. بر اساس یافته‌های پژوهش پیشنهاد می‌شود برای تعمیم بهتر این مسئله بر روی نمونه پسران نیز صورت پذیرد.

کلیدواژه‌ها: الگوی ارتباطات خانواده، انسجام خانوادگی، سبک فرزندپروری ادراک شده، قلدری.

استناد به این مقاله:

معصومی، مژده، نوروزی، یاسمن، عارفی، مختار. (۱۴۰۴). رابطه انسجام خانوادگی و الگوی ارتباطات خانواده با رفتار قلدری نوجوانان دختر: تحلیل نقش میانجی فرزندپروری ادراک‌شده. *اندیشه‌های نوین تربیتی*، ۱۱۵-۱۲۷: ۲۱(۳). doi: 10.22051/jontoe.2025.51739.4072

مقدمه

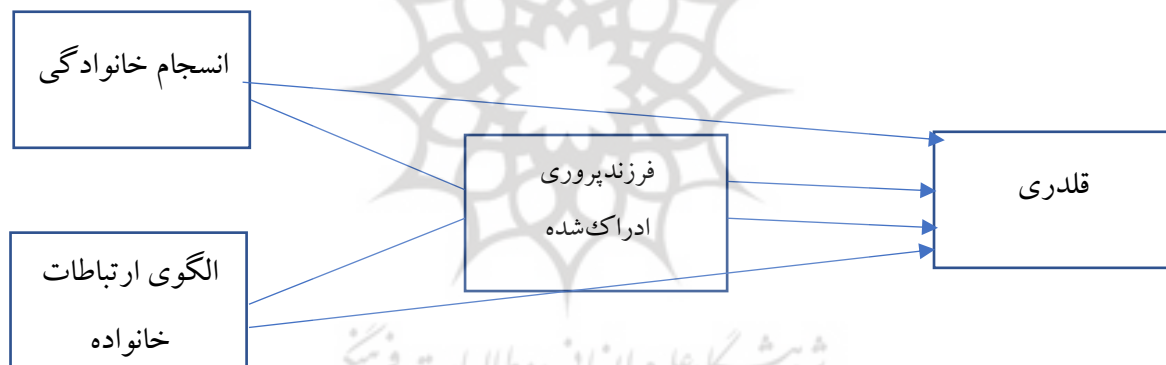
قلدری^۱ یک عامل خطر مهم برای سلامت جسمی و روانی نوجوانان است (تانگ و همکاران، ۲۰۲۰، ص ۸۸۶). قلدری به عنوان هر نوع خشونت یا جنایتی تعریف می‌شود که به طور هدفمند و مداوم به قصد آسیب رساندن یا سرنگون کردن فردی ضعیف انجام می‌شود (ناستینی و مینسینی، ۲۰۱۶). رفتار قلدری کلامی شامل توهین، جیغ زدن، دادن نام مستعار نادرست، تهمت زدن و شرمساری دیگران در ملاء عام است. رفتار قلدری فیزیکی شامل ضربه زدن به افراد ضعیف، خفگی و مشت زدن است، در حالی که رفتار قلدری ذهنی شامل نادیده گرفتن و گوشه گیری است و رفتار قلدری سایبری شامل دریافت تهدید یا پیام‌های منفی از طریق رسانه‌های اجتماعی است (آکوستا و همکاران، ۲۰۱۹، ص ۱۰). مطالعات گذشته نشان داده است که جنسیت نقش مهمی را در بروز رفتار قلدری ایفا می‌کند. دانش آموزان پسر بیشتر متوسل به رفتار قلدری فیزیکی و مستقیم می‌شوند، در حالی که دختران، قلدری غیر مستقیم و رابطه‌ای دارند (لیو و گریوز، ۲۰۱۱، ص ۵۶۱). مدرسه یکی از محیط‌هایی است که قلدری به مراتب در آن اتفاق می‌افتد. قلدری در مدرسه حدود ۴۰ سال مورد مطالعه قرار گرفته و دانش بسیاری در مورد ماهیت، پویایی، پیش‌بینی‌کننده‌ها و پیامدهای آن فراهم شده است (زیچ، فرانتیگون، لیورنت و تیتافی، ۲۰۱۷، ص ۲۹۳). با این حال، قلدری هنوز هم به عنوان یک مسئله فراگیر در جهان مطرح است و موضوع مهمی برای مداخله مؤثر و پژوهش‌های تجربی است (گافنی، تیتافی و فرانتیگون، ۲۰۱۹، ص ۱۱۴). در ارتباط با علت شناسی قلدری باید به مجموعه عوامل فرهنگی، خانوادگی و آموزشی اشاره کرد. در این بین، والدین اولین افرادی هستند که با کودک ارتباط برقرار می‌کنند و اثرگذارترین برخوردارها و تعاملات را در شکل گیری ساختار زندگی آینده کودک دارند (اسپریگز، لانوتی، نیسل و هاینی، ۲۰۰۷، ص ۲۸۷). دانش آموزان درگیر در قلدری نسبت به افراد غیر درگیر در قلدری، سطح انسجام خانوادگی پایین تری دارند و بیشتر با قلدری در ارتباط هستند (ماری هروی و اسلی، ۲۰۱۰، ص ۲۷۷).

یکی از ساختارهای پرنفوذ خانواده، انسجام است، که جنبه مهمی برای تلاش جهت درک متقابل میان اعضای خانواده است (عسگری، ۲۰۲۳، ص ۷۲). انسجام خانواده^۲، به صورت پیوندهای عاطفی و حمایتی و اتحاد میان اعضای خانواده تعریف می‌شود و اختلال آن در پیدایش و تشدید اختلالات در بین کودکان نقش دارد (بوکر، اولندیک، دانسمور و گرین، ۲۰۱۶، ص ۱۶۲۷). انسجام خانواده در روابط بین والد و کودک نقش مهمی ایفا می‌کند. در واقع انسجام در ابعاد اجتماعی شدن کودک تأثیر می‌گذارد و بر روابط احساسی والد و کودک اثرگذار است (ژو، چن، یانگ، قو و لی، ۲۰۲۳، ص ۵۹۳۷). پژوهش‌ها در زمینه تأثیر محیط خانوادگی بر رفتار قلدری نشان داده اند محیط‌های خانوادگی که سطوح بالاتری از ناسازگاری و سطوح پایین تری از انسجام دارند، هم در خانه و هم در مدرسه با رفتار قلدری ارتباط دارند (کسیدی، ۲۰۰۹، ص ۷۲). پژوهش‌های پیشین همچنین نشان داده اند که افراد قلدر معمولاً خانواده شان را کم انسجام، ناسازگار و سازمان نیافته توصیف می‌کنند. در مقابل، پاسخگو بودن به نیازهای کودکان، داشتن روابط گرم، در دسترس بودن برای بحث در مورد مسائل و مشکلات کودکان و کمک به کودکان هنگام گرفتاری از سوی خانواده‌ها به گونه‌ای منفی با قلدری در ارتباط است (جورجیو، ۲۰۰۸، ص ۱۲۱). قلدری سایبری مدل جدیدی از زورگویی است که در فضای مجازی در قالب پیام‌ها و ارسال محتوای نامناسب اتفاق می‌افتد (آرمیتیچ، ۲۰۲۱، ص ۲). خانواده در بروز رفتارهای قلدری سایبری نیز، نقش بسزایی دارد. خانواده پرمهر، منسجم و حمایتگر از عوامل مهم پیشگیری از خشونت آنلاین است. و همچنین رفتارهای نادرست خانواده از جمله خشونت، آزارگری و نادیده گرفتن میتواند خطر درگیر شدن به قلدری را افزایش دهد (کندل و جیتارو، ۲۰۲۲، ص ۱۷). کاهش حمایت اجتماعی خانواده و به دنبال آن کاهش همدلی، باعث افزایش صفات و رفتارهای سنگدلی شده که پیش بین قوی برای رفتارهای ضد اجتماعی است و باعث افزایش قلدری در نوجوان می‌شود (طاوولی و زند نژاد، ۱۴۰۲، ص ۵۹).

یکی از کارکردهایی که بر فرزندان تأثیر می‌گذارد، الگوی ارتباطی خانواده^۱ است (مرادی و چراغی، ۲۰۱۴، ص. ۱۱۵). خانواده پیش‌بینی‌کننده مهمی برای همه اشکال قلدری نوجوانان است. والدین با برقراری ارتباط مثبت با فرزندان در به حداقل رساندن رفتار قلدری نقش دارند (کارالامپوس و همکاران، ۲۰۱۸، ص. ۱۱۸). اعضای خانواده از راه ارتباط با یکدیگر، مدل‌های ذهنی زندگی خانوادگی را ایجاد و معناسازی کرده، و این مدل‌ها به واسطه ارتباطات در طول زمان در بین نسل‌ها مانا می‌مانند (ونجلاستی، ۲۰۱۳). طبق رویکرد الگوهای ارتباطی خانواده، ماهیت روابط داخل خانواده پیامد بازنمایی روانی و طرحواره‌های ارتباطی اعضای خانواده است. بر اساس این رویکرد، طرحواره‌های ارتباطی خانواده شامل باورهای اعضا در مورد روش‌های ابراز صمیمیت، عواطف و حمایت از یکدیگر، میزان گفت و گوی باز و سرگشاده، تأکید بر یکسانی نگرش‌ها، ارزش‌ها و رفتارها در رابطه است (کرنر و ماریان، ۲۰۰۲، ص. ۵۷). خانواده محیطی است که فرد در آن به دنیا می‌آید و رشد می‌کند و نقش مهمی در پیشگیری از رفتارهای قلدرانه دارد. ارتباطات درون خانواده می‌تواند تعیین کند که اعضای خانواده چگونه با سایر افراد خارج از خانواده ارتباط برقرار کنند (روهنر، ۱۹۸۶). اگر فرد در دوران کودکی، الگوی دل‌بستگی ناایمن با مراقبان اولیه را تجربه کرده باشد، این الگو به مرور در تمام روابط صمیمانه آینده‌اش تعمیم می‌یابد و به تناسب میزان درونی‌سازی آن، بخش مهمی از شخصیت فرد را شکل خواهد داد. در چنین شرایطی، احتمالاً فرد دارای خودپنداره‌ای منفی، روابط عاطفی محدود و شکننده، ناتوانی در کنترل تکانه‌های منفی، و بروز هیجانات و رفتارهای منفی خواهد بود. چنانچه در کنار این ویژگی‌ها، شایستگی‌های هیجانی-اجتماعی مانند خودآگاهی، خودکنترلی، مدیریت روابط، آگاهی اجتماعی و تصمیم‌گیری مسئولانه نیز تضعیف شده باشند، زمینه برای بروز یا تجربه رفتارهای قلدری، چه در نقش قلدر، چه قربانی یا درگیر در موقعیت‌های قلدری، تسهیل می‌شود (فرید و مصلح، ۲۰۲۴، ص. ۱۷).

سبک‌های تربیتی و چگونگی به بار آوردن فرزندان در دوران کودکی بسیار قابل توجه بوده و سازگاری فرزندان به سبک‌های فرزندپروری^۲ آنها در دوران کودکی وابسته است (محمودپور، داراب، خانجانی و شکی و پاشا، ۲۰۲۰، ص. ۱۱۲۰). بامریند (۱۹۹۱) در تحقیقاتی گسترده در محیط خانه و آزمایشگاهی با مشاهده تعاملات والدین با فرزندانشان اطلاعات فراوانی را در مورد سبک‌های فرزندپروری جمع‌آوری کرد و نشان داد که فرزندپروری دو جنبه وسیع دارد. پرتوقع بودن، جنبه اول است. دسته‌ای از والدین معیارهای عالی برای فرزندان تعیین می‌کنند و از آنان توقع دارند که این معیارها را به نحو احسن برآورده کنند. دسته دیگر والدین توقع خیلی کمی دارند و به ندرت سعی در تحت تأثیر قرار دادن رفتار فرزندان خود می‌کنند. پاسخ‌دهی، جنبه دوم است. بعضی والدین نسبت به فرزندان خود پذیرا هستند، به درخواست‌های آنها پاسخ می‌دهند و به بحث و گفت‌وگو با آنها می‌پردازند. در مقابل، برخی والدین هم طردکننده و هم بی‌اعتنا هستند. پژوهش‌های بامریند بر سه سبک استبدادی، اقتداری و آسانگیر تمرکز دارد. سبک چهارم یعنی طردکننده را پژوهشگران دیگران بررسی کرده‌اند (فلاح نژاد و همکاران، ۲۰۲۴، ص. ۵). گروینک، دسی و ریان (۱۹۷۷) نیز فرزندپروری ادراک‌شده را دارای سه بُعد دانسته‌اند: بُعد مشارکت یا همکاری والدین که به معنای توجه مثبت والدین به کودک و مقدار زمانی است که برای فرزند گذاشته و به‌طور فعالانه در فعالیت‌های روزانه با او مشارکت می‌کنند و از آنها آگاه‌اند؛ بعد حمایت از خودمختاری که به معنای بهادادن والدین به نگرش فرزند و استفاده آنان از راهبردهایی است که حق انتخاب و خودآغازگری، تصمیم‌گیری و حل مسئله را در کودک تقویت می‌کند و نهایتاً بُعد مهرورزی یا شفقت والدین که به معنای پاسخگو بودن، توجه‌کننده، مشوق، استوار و صمیمی بودن والدین نسبت به فرزندان است. بنا به یافته‌های بامریند (۱۹۹۱) فرزندان که والدین مقتدر دارند، بسیار خوب پرورش یافته، شاد و سرحال‌اند، در تسلط یافتن بر تکالیف جدید اعتماد به‌نفس داشته و خودگردان هستند. فرزندان که والدین آنها مستبد است، مضطرب، گوشه‌گیر و ناخشنودند و هنگام تعامل با همسالان در صورت ناکافی بودن، با خصومت واکنش نشان می‌دهند. والدین با سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه، پذیرا و مهرورز هستند، ولی توقع زیاد ندارند و از هرگونه کنترل‌گری پرهیز می‌کنند؛ آنها به فرزندان خود اجازه می‌دهند در هر مقطعی خودشان تصمیم بگیرند، هرچند که هنوز توانایی این کار را نداشته باشند. بامریند متوجه شد که فرزندان با سبک فرزندپروری سهل‌گیر، بسیار ناپخته هستند و در

کنترل تکانه‌هایشان مشکل دارند و نیز بسیار پرتوقع و وابسته به بزرگترها هستند (کوپنز و کلومنز، ۲۰۱۹، ص. ۱۷۶). حمایت والدین، روابط گرم و مهرورزی، ارتباطات خانوادگی خوب و نظارت بر رفتارهای کودکان، آنها را در برابر درگیر شدن در فرایند قلدری و قربانی شدن حفظ می‌کند. در مقابل سبک فرزندپروری مستبدانه و تأکید صرف بر آموزش و عملکرد تحصیلی با رفتارهای قلدری رابطه مثبت دارد (چارالامپوس و همکاران، ۲۰۱۸، ص. ۱۱۸). همچنین وجود تعارض در خانواده، عدم روابط نزدیک میان اعضای خانواده، نوع و سطح تنبیه کردن و سبک فرزندپروری سهل گیر با بزهکاری، پرخاشگری و درگیر شدن کودکان در قلدری ارتباط دارد که ناشی از کمبود نظارت و کنترل والدین می‌باشد (گمز-اریز، رومرا، اورنگا-رویز، ۲۰۱۶، ص. ۱۳۷). برخلاف تلاش‌های بسیاری که در دهه اخیر در جهت افزایش آگاهی عمومی نسبت به مضرات و خطرات رفتارهای پرخطر از جمله قلدری صورت گرفته است، همچنان با افزایش روزافزون این رفتارها به ویژه در میان جوانان و نوجوانان رو به رو هستیم. طبق بررسی‌های انجام شده در مطالعات پیشین، اگرچه پژوهش‌های زیادی در رابطه با قلدری نوجوانان و متغیرهای انسجام خانواده، الگوی ارتباطات خانواده و فرزندپروری ادراک شده صورت گرفته، ولی از آن جا که نوجوانان آینده ساز کشورند و رشد و تحول کشور در دست این افراد است پس سلامت روان و رفتارهای آنها جایگاه ویژه‌ای دارد، به همین علت این موضوع جای بررسی و مطالعه بیشتر دارد. نکته دیگری که قابل توجه است این است که کمتر مطالعه‌ای در رابطه با دختران نوجوان در شهر کرمانشاه و با توجه به ویژگی‌های فرهنگی آن صورت گرفته است، در حالیکه دختران امروز، مادران فردا و تربیت کنندگان اصلی فرزندان آینده هستند پس بررسی‌های بیشتر روی این قشر از جامعه خالی از لطف نیست. در نتیجه بررسی این موضوع حائز اهمیت است و ضرورت دارد. بنابراین مطالعه حاضر، باهدف تعیین نقش میانجی گری فرزندپروری ادراک شده در رابطه میان انسجام خانوادگی و الگوی ارتباطات خانواده با قلدری در دختران نوجوان شهر کرمانشاه صورت گرفته است.



روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر، از نظر هدف بنیادی و از نظر شیوه گردآوری پیمایشی و طرح همبستگی بود. جامعه آماری شامل ۳۸۴ نفر از دانش آموزان دختر ۱۳ تا ۱۷ ساله در سال ۱۴۰۳ بودند که به روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. ملاک‌های ورود به پژوهش شامل رضایت آگاهانه، تمایل به همکاری در پژوهش و دختران نوجوان ۱۳ تا ۱۷ ساله بودند.

ابزار پژوهش

پرسشنامه انسجام محیط خانوادگی: این پرسشنامه توسط موس در سال ۲۰۰۹ تدوین شده و دارای ۹ گویه است که انسجام خانوادگی را اندازه‌گیری می‌کند و هدف آن ارزیابی انسجام و به هم پیوستگی خانوادگی از دیدگاه نوجوانان (گروه سنی ۱۱ به بالا) می‌باشد. دامنه نمرات آن در دو مقیاس کاملاً درست (۰) و کاملاً غلط (۱) است. گویه‌های معکوس این پرسشنامه عبارتند از: از آیت‌های ۱، ۳، ۴، ۶، ۸ و ۹. جواب‌ها جمع می‌گردند تا نمره کل افراد را بسازند. نمره بالاتر به منزله انسجام و به هم پیوستگی در محیط خانوادگی است. روایی

پرسشنامه نامشخص است، اما محققان می‌توانند توسط متخصصان به لحاظ محتوایی و صوری آن را سنجش نمایند؛ اما به لحاظ پایایی همبستگی سؤالات کمتر از ۰/۸۰ است (ماس و موس، ۲۰۰۹).

پرسشنامه الگوی ارتباطات خانواده: این ابزار یک پرسشنامه خودسنجی است که توسط ریچی و فیتزپاتریک در سال ۱۹۹۰ طراحی شده و میزان موافقت یا عدم موافقت پاسخ‌دهنده را با ۲۶ گویه که درباره وضعیت ارتباطات خانواده وی هستند در دامنه ۵ درجه‌ای مورد سؤال قرار می‌دهد. نمره ۴ معادل کاملاً موافقم و نمره ۵ صفر معادل کاملاً مخالفم است. ۱۵ گویه اول مربوط به بُعد جهت‌گیری گفت و شنود و ۱۱ گویه بعدی مربوط به جهت‌گیری همنوایی می‌باشند. هر آزمودنی دو نمره از این ابزار به دست می‌آورد. نمره بیشتر در هر مقیاس به این معناست که آزمودنی در خانواده خود به ترتیب جهت‌گیری گفت و شنود یا همنوایی بیشتری را ادراک می‌کند (ریچی و فیتزپاتریک، ۱۹۹۰).

پرسشنامه قلدری ایلی نویز: این پرسشنامه توسط اسپلاگه و هولت (۲۰۰۱) ساخته شده و دارای ۱۸ گویه می‌باشد. سؤالات پرسشنامه شامل سه مؤلفه قلدری، نزاع و قربانی می‌باشد که بر اساس طیف لیکرت پنج درجه‌ای (از هرگز با نمره ۰ تا هفت بار یا بیشتر با نمره ۴) نمره‌گذاری می‌شود. نمرات زیرمقیاس‌ها به وسیله جمع عبارت‌های مربوط به خود محاسبه می‌شوند. طیف در نظر گرفته شده برای زیرمقیاس قربانی از ۰ تا ۱۶ است و نمرات بالاتر نشان‌دهنده قربانی بودن بیشتر است. طیف در نظر گرفته شده برای زیرمقیاس قلدری از ۰ تا ۳۶ است که نمرات نشان‌دهنده ارتکاب به قلدری بیشتر است. محدوده در نظر گرفته شده برای زیرمقیاس نزاع از ۰ تا ۲۰ است که نمرات بالاتر نشان‌دهنده نزاع بیشتر است. اسپلاگه و هولت (۲۰۰۱) روایی محتوایی را مناسب ذکر کرده‌اند و پایایی را بر اساس آلفای کرونباخ ۰/۸۳ به دست آوردند (اسپلاگه و هولت، ۲۰۱۳).

مقیاس فرزندپروری ادراک‌شده: این پرسشنامه توسط گرولینک و همکاران (۱۹۹۷) تدوین شده است. این مقیاس دارای دو نسخه کودکان و دانشجویان کالج است. مقیاس برای استفاده آزمودنی‌هایی که در سال‌های پایانی نوجوانی یا کمی بزرگتر طراحی شده است و دارای ۴۲ گویه، ۲۱ گویه برای مادر و ۲۱ گویه برای پدر دارد (گویه‌ها در دو نیمه برای مادر و پدر تکرار شده‌اند) که ۶ خرده‌مقیاس را می‌سنجد. خرده مقیاس گرمی برای هر یک از والدین دارای ۶ عبارت، درگیری ۵ عبارت و حمایت از خودمختاری ۹ عبارت می‌باشد. پاسخ‌دهی به سؤالات پرسشنامه ادراک سبک فرزندپروری بر اساس مقیاس لیکرت هفت درجه‌ای بود. آزمودنی‌ها بر اساس مقیاس لیکرت هفت درجه‌ای، میزان موفقیت یا مخالفت خود را با هر گویه گزارش کردند. پایایی این مقیاس در منبع اصلی با استفاده از آلفای کرونباخ بین ۰/۷۹ تا ۰/۸۶ می‌باشد (گرولینک، دسی و ریان، ۱۹۹۷).

یافته‌های پژوهش

پس از طراحی پرسشنامه در سامانه Digit، لینک پرسشنامه به همراه توضیحات لازم مبنی بر رضایت آگاهانه، محرمانه بودن اطلاعات و دربرداشتن هزینه برای افراد و همچنین اجباری نبودن تکمیل پرسشنامه، بر روی نوجوانان دختر شهر کرمانشاه انجام شد. در این مطالعه، داده‌های مربوط به ۳۸۴ نفر از نوجوانان دختر در رده سنی ۱۳ تا ۱۷ سال مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. تحلیل آماری توصیفی متغیرها نشان داد که میانگین نمره رفتار قلدری کلی برابر با ۲۲.۹۹ با انحراف معیار ۶.۵۸۱ بود که در دامنه‌ای از ۱۷ تا ۵۷ قرار داشت. زیرمقیاس رفتار قلدری نیز میانگین ۱۱.۶۴ و انحراف معیار ۳.۱۵۲ داشت. مؤلفه‌ای دیگر مرتبط با رفتار پرخاشگرانه نظیر نزاع و قربانی شدن به ترتیب با میانگین‌های ۶.۶۲ و ۵.۹۰ ارزیابی شدند. انسجام خانوادگی دارای میانگین ۱۲.۳۱ و انحراف معیار ۱.۳۴۵ بود که در بازه‌ای بین ۹ تا ۱۶ قرار داشت؛ این مقدار نسبتاً بالا نشان‌دهنده احساس پیوستگی و نزدیکی در میان اعضای خانواده نوجوانان مورد مطالعه است. مؤلفه‌های الگوی ارتباطات خانواده شامل گفت‌و شنود و همنوایی نیز به ترتیب دارای میانگین‌های ۵.۴۸۱، ۴۰.۰۱ بودند که گویای میزان درخور

توجهی از تبادل ارتباطی در خانواده‌هاست. در بررسی سبک‌های فرزندپروری ادراک‌شده، مؤلفه حمایت از خودمختاری مادر با میانگین ۴۵.۹۳ و حمایت از خودمختاری پدر با میانگین ۴۱.۷۰، سطح نسبتاً بالایی از استقلال‌دهی والدین را نشان می‌دهند. همچنین، اشتغال ذهنی و عاطفی مادر و پدر به ترتیب دارای میانگین‌های ۲۶.۴۱ و ۲۵.۴۴ بودند. در بعد عاطفی، گرمی مادر و گرمی پدر نیز به ترتیب با میانگین‌های ۳۰.۴۵ و ۲۶.۷۷ ارزیابی شدند. در مجموع، نمره کلی سبک فرزندپروری ادراک‌شده برابر با ۱۹۶.۷۰ با انحراف معیار ۳۸.۲۰۳ بود که در بازه‌ای از ۶۴ تا ۲۹۴ قرار داشت.

در ادامه جهت بررسی رابطه بین متغیرهای پژوهش از تحلیل مسیر معادلات ساختاری با نرم افزار PLS استفاده شده است. جهت بررسی روایی همگرا و پایایی متغیرهای پژوهش از مقدار میانگین واریانس استخراج شده^۱ برای متغیرهای مکنون که بالاتر از ۰/۵ (برای روایی همگرا) و جهت تعیین پایایی^۲ پرسشنامه از معیارهای (ضریب آلفای کرونباخ^۳، ضریب پایایی مرکب^۴ و ضریب پایایی همگون) استفاده شد. بنابراین می‌توان گفت که روایی همگرای مدل‌های اندازه‌گیری مطلوب می‌باشد. همچنین میزان پایایی باید بالاتر از ۰/۷ باشد که در این پژوهش این میزان برای متغیرها در حد مطلوب است.

جدول شماره ۱. مقادیر روایی و پایایی مربوط به هر یک از متغیرها

متغیر	روایی	آلفای کرونباخ	پایایی مرکب	ضریب پایایی همگون Rho
انسجام خانوادگی	۰/۵۷۱	۰/۸۳۹	۰/۸۹۴	۰/۸۵۶
الگوی ارتباطات خانواده	۰/۶۳۹	۰/۷۱۶	۰/۷۸۰	۰/۷۴۴
رفتار قلدری	۰/۵۲۲	۰/۹۰۲	۰/۹۵۸	۰/۹۳۹
سبک‌های فرزندپروری ادراک‌شده	۰/۶۱۶	۰/۹۱۰	۰/۹۴۶	۰/۹۱۹

جدول شماره ۱ بررسی روایی و اگرایی مدل پژوهش را نشان می‌دهد. روایی و اگرایی اندازه‌ای است که یک سازه به درستی از دیگر سازه‌ها با معیار تجربی متمایز می‌شود. این روایی در دو سطح معرف و متغیر مکنون محاسبه می‌شود. در سطح معرف برای محاسبه روایی و اگرایی، از بارهای عرضی استفاده می‌شود که لازم است بار یک معرف متناظر سازه، بیشتر از همه بارهای آن معرف روی دیگر سازه‌ها باشد. در سطح متغیر مکنون از معیار فورنل-لارکر استفاده شد که ریشه دوم میانگین واریانس استخراج شده (AVE)، هر متغیر مکنون باید بیشتر از بالاترین همبستگی آن سازه با دیگر سازه‌های مدل باشد، یعنی مقدار جذر میانگین واریانس استخراجی (AVE) متغیرهای مکنون در پژوهش حاضر که در خانه‌های موجود در قطر اصلی ماتریس قرار گرفته‌اند، از مقدار همبستگی میان آنها که در خانه‌های زیرین و چپ قطر اصلی ترتیب داده شده‌اند بیشتر باشد. منطق این سازه این است که یک سازه باید واریانس بیشتری با معرف‌های خود تا سایر سازه‌ها داشته باشد (فورنل و لارکر، ۱۹۸۱).

نتایج جدول شماره ۲ نشان می‌دهد که تمامی متغیرهای پژوهش روایی و اگرایی قابل قبولی دارند. در ادامه مدل درونی (ساختاری) پژوهش بررسی می‌گردد.

جدول شماره ۲. بررسی روایی و اگرایی مدل پژوهش

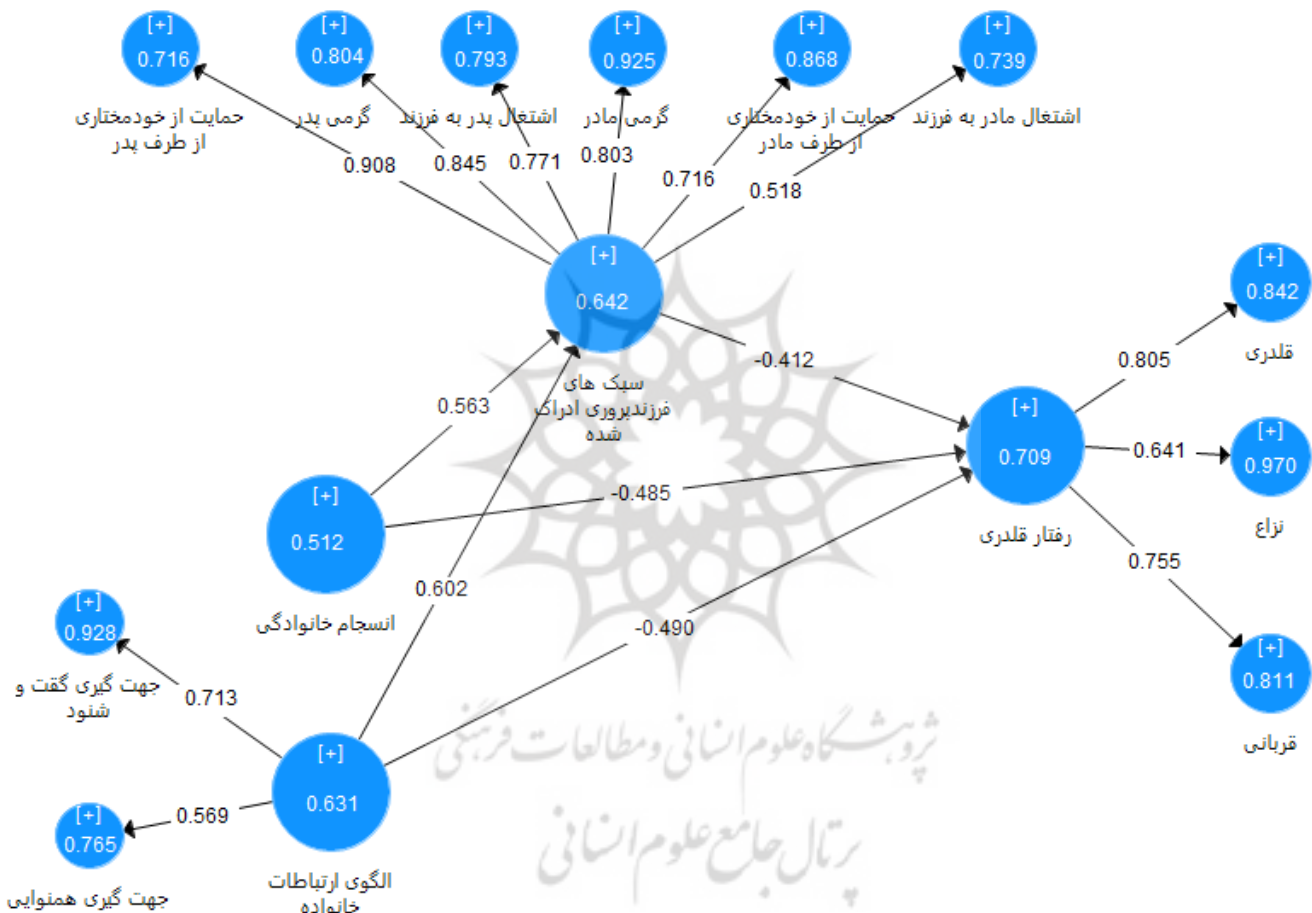
ردیف	۱	۲	۳	۴
۱- انسجام خانوادگی	۰/۷۰۳			
۲- الگوی ارتباطات خانواده	۰/۶۹۱	۰/۶۴۳		
۳- رفتار قلدری	۰/۷۲۶	۰/۶۶۸	۰/۷۷۰	
۴- سبک‌های فرزندپروری ادراک‌شده	۰/۷۶۰	۰/۷۳۵	۰/۶۸۴	۰/۷۰۵

1. Mean variance extracted
2. Reliability
3. Coefficient of Cronbach's alpha
4. Coefficient of Composite Reliability

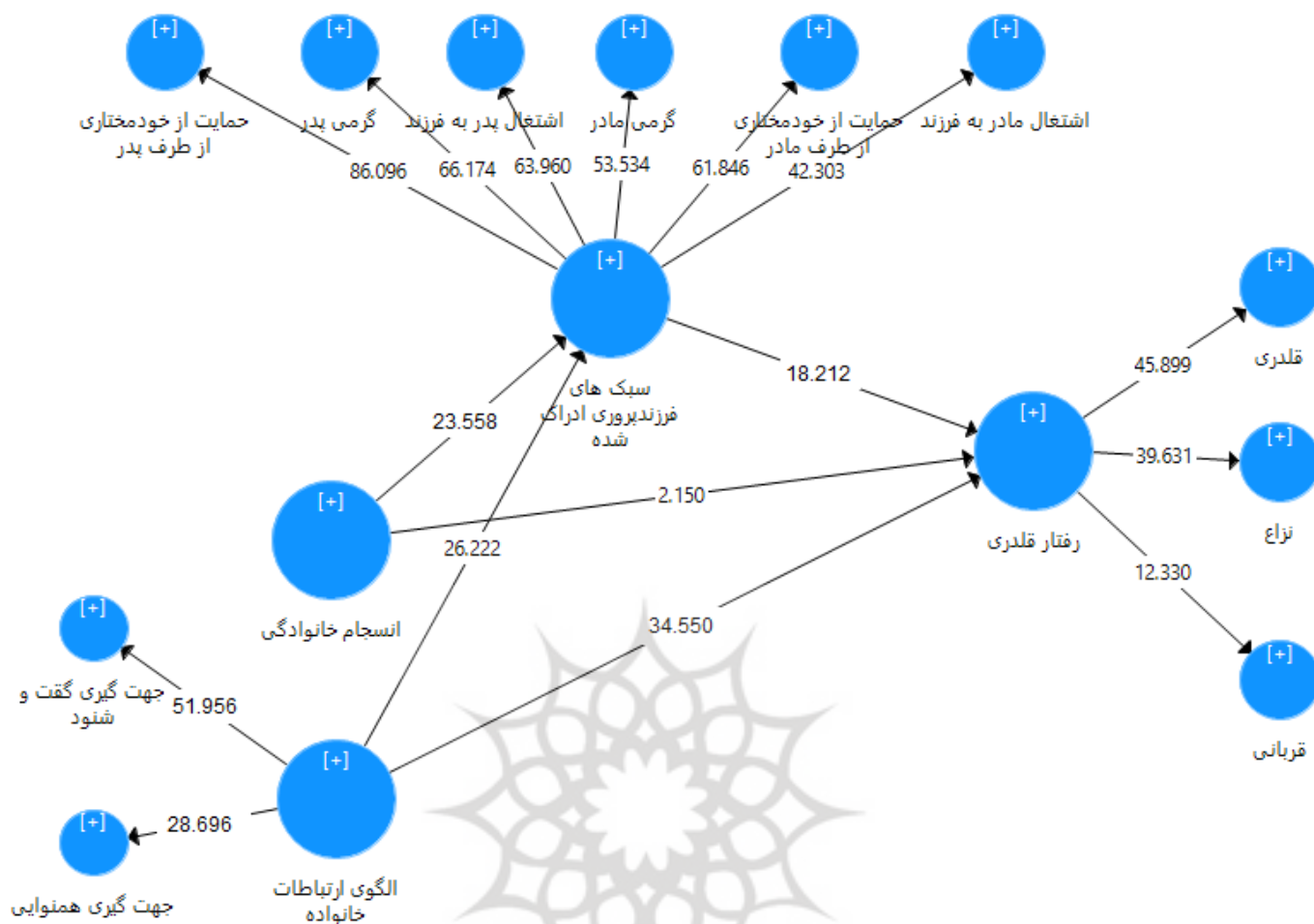
یافته‌های پژوهش با استفاده از مدل‌یابی معادلات ساختاری (Smart-PLS)

در این قسمت با بیان فرضیات تحقیق و استفاده از نتایج آزمون مدل ساختاری در پی آزمون فرضیات تحقیق و تحلیل نتایج حاصل هستیم. برای تحلیل و سنجش مدل این تحقیق از تحلیل داده‌ها به وسیله مدل معادلات ساختاری استفاده شده است. مدل‌یابی معادلات ساختاری، مدلی آماری برای بررسی روابط خطی بین متغیرهای مکنون (مشاهده نشده) و متغیرهای آشکار (مشاهده شده) است. به عبارت دیگر، مدل‌یابی معادلات ساختاری تکنیک آماری قدرت‌مندی است که مدل اندازه‌گیری (تحلیل عاملی تأییدی) و مدل ساختاری (رگرسیون یا تحلیل مسیر) را با یک آزمون آماری همزمان ترکیب می‌کند. از طریق این فنون پژوهشگران می‌توانند ساختارهای فرضی (مدل‌ها) را رد یا انطباق آنها را با داده‌ها تأیید کنند.

به منظور تحلیل مدل مفهومی پژوهش از نرم افزار اسمارت پی ال اس^۱ استفاده شد.



شکل شماره ۱. مدل ساختاری نهایی پژوهش با مقادیر بارهای عاملی و ضرایب مسیر (بتا)



شکل شماره ۲. مدل ساختاری نهایی پژوهش با مقادیر بحرانی (آماره تی)

جدول شماره ۳. نتایج شاخص‌های هم‌خطی

VIF	متغیرها
۱/۹۱۳	انسجام خانوادگی
۲/۳۱۷	الگوی ارتباطات خانواده
۱/۵۶۹	رفتار قلدری
۲/۳۸۵	سبک‌های فرزندپروری ادراک‌شده

در بخش مدل درونی، ارتباط بین متغیرهای مکنون پژوهش مورد تحلیل قرار می‌گیرد. اولین معیار برای بررسی مدل درونی، بررسی هم‌خطی نبودن متغیرهاست که به این منظور از عامل تورم واریانس (VIF) استفاده می‌شود. (VIF بالاتر از ۵، نشان‌دهنده هم‌خطی بودن بین متغیرها می‌باشد که با توجه به جدول شماره ۳ مشاهده می‌شود، شرط عدم هم‌خطی برای هر متغیر رعایت شده است.

جدول شماره ۴. نتایج اثرات مستقیم، غیر مستقیم، کل و اندازه اثر مدل درونی پژوهش

ارزش T	ضریب تأثیر (β)	فرضیات
۲/۱۵۰	-۰/۴۸۵	انسجام خانوادگی ← رفتار قلدری
۳۴/۵۵۰	-۰/۴۹۰	الگوی ارتباطات خانواده ← رفتار قلدری
۱۸/۲۱۲	-۰/۴۱۲	سبک‌های فرزندپروری ادراک‌شده ← رفتار قلدری
۲۳/۵۵۸	۰/۵۶۳	انسجام خانوادگی ← سبک‌های فرزندپروری ادراک‌شده
۲۶/۲۲۲	۰/۶۰۲	الگوی ارتباطات خانواده ← سبک‌های فرزندپروری ادراک‌شده
۱۴/۰۹۳	-۰/۷۱۶	انسجام خانوادگی ← سبک‌های فرزندپروری ادراک‌شده ← رفتار قلدری
۹/۱۸۴	-۰/۷۳۳	الگوی ارتباطات خانواده ← سبک‌های فرزندپروری ادراک‌شده ← رفتار قلدری

اولین معیار، بررسی اثرات مستقیم و غیر مستقیم و میزان آماره T است. جدول شماره ۴ نتایج تحلیل مسیر مدل معادلات ساختاری را برای بررسی اثرات مستقیم، غیرمستقیم و کل متغیرهای پژوهش نشان می‌دهد. بر اساس یافته‌ها، انسجام خانوادگی ($\beta = -0/485$, $T = 2/150$) و الگوی ارتباطات خانواده ($\beta = -0/490$, $T = 34/550$) تأثیر منفی و معناداری بر رفتار قلدری دارند. همچنین، سبک‌های فرزندپروری ادراک‌شده نیز به‌طور مستقیم اثر منفی و معناداری بر رفتار قلدری دارد ($\beta = -0/412$, $T = 18/212$). از سوی دیگر، انسجام خانوادگی ($\beta = 0/563$, $T = 23/558$) و الگوی ارتباطات خانواده ($\beta = 0/602$, $T = 26/222$) تأثیر مثبت و معناداری بر سبک‌های فرزندپروری ادراک‌شده دارند. در بررسی اثرات غیرمستقیم، مشخص شد که انسجام خانوادگی از طریق سبک‌های فرزندپروری ادراک‌شده، به‌صورت غیرمستقیم بر رفتار قلدری تأثیر منفی دارد ($\beta = -0/716$, $T = 14/093$). همچنین، الگوی ارتباطات خانواده نیز از همین مسیر اثری منفی و معنادار بر رفتار قلدری دارد ($\beta = -0/733$, $T = 9/184$). بنابراین، سبک‌های فرزندپروری ادراک‌شده نقش میانجی معناداری در رابطه بین متغیرهای خانوادگی و رفتار قلدری ایفا می‌کند.

دومین معیار ارزیابی مدل درونی، ضرایب مسیر می‌باشند که به منظور بررسی معنی‌داری آن‌ها از رویه خودگردان سازی استفاده شده که این ضرایب به همراه مقدار آماره T متناظر خود، سطح معنی‌داری و همچنین فاصله اطمینان برای اثرات مستقیم در جدول شماره ۴ آورده شده‌است.

سومین معیار ارزیابی مدل، محاسبه شاخص نیکویی برازش مدل در حداقل مجذورات جزئی می‌باشد. در مدل‌سازی معادلات ساختاری به کمک روش PLS بر خلاف روش کواریانس محور شاخصی برای سنجش کلی مدل وجود ندارد. ولی شاخصی به نام نیکویی برازش (GOF) توسط تننهاوس و همکاران (۲۰۰۵) پیشنهاد شد. این شاخص هر دو مدل اندازه‌گیری و ساختاری را مد نظر قرار می‌دهد و به‌عنوان معیاری برای سنجش عملکرد کلی مدل به کار می‌رود. حدود این شاخص بین صفر و یک قرار بوده و وتزلس و همکاران سه مقدار ۰.۱ تا ۰.۲۵ ضعیف، ۰.۲۵ تا ۰.۳۶ متوسط و بیشتر از ۰.۳۶ قوی برای GOF معرفی نمودند. این شاخص به‌صورت میانگین R^2 و متوسط شاخص مقادیر اشتراکی به‌صورت دستی محاسبه می‌شود:

جدول شماره ۵. نتایج برازش کلی مدل با معیار GOF

متغیرهای درون‌زا	R ²	Communality	GOF
انسجام خانوادگی	۰/۵۱۲	۰/۳۲۸	GOF = $\sqrt{0.623 * 0.417} = 0.509$
الگوی ارتباطات خانواده	۰/۶۳۱	۰/۴۰۲	
رفتار قلدری	۰/۷۰۹	۰/۴۸۶	
سبک‌های فرزندپروری ادراک‌شده	۰/۶۴۲	۰/۴۵۵	

شاخص GOF این مدل، ۰/۵۰۹ قرار گرفت مشخص شد که مدل مورد بررسی از برازش مطلوبی برخوردار است و فرضیه‌های مورد بررسی تأیید گردید.

نتیجه‌گیری و بحث

هدف پژوهش حاضر، بررسی تأثیر انسجام خانوادگی و الگوی ارتباطات خانواده بر رفتار قلدری نوجوانان دختر با تأکید بر نقش میانجی سبک‌های فرزندپروری ادراک شده بود.

نتایج تحلیل مسیر نشان داد که انسجام خانوادگی و الگوی ارتباطات خانواده به‌طور مستقیم تأثیر منفی و معناداری بر رفتار قلدری دارند. این یافته نشان می‌دهد که هرچه خانواده دارای ساختار منسجم‌تر و ارتباطات کارآمدتر باشد، احتمال بروز رفتارهای پرخاشگرانه و قلدری در فرزندان کاهش می‌یابد. این نتیجه با نظریه پیوند اجتماعی هیرشی (۱۹۶۹) مطابقت دارد که تأکید می‌کند دل‌بستگی به خانواده و انسجام اجتماعی از عوامل بازدارنده در برابر بروز رفتارهای ضداجتماعی هستند. همچنین یافته‌ها با مطالعات بین‌المللی همچون پژوهش اسپلاچ و همکاران (۲۰۱۴) و الوئوس (۲۰۱۳) که تأکید دارند سبک ارتباطی خانواده نقش مهمی در رفتارهای اجتماعی نوجوانان دارد، همخوانی دارد. بنا به نتایج به‌دست آمده از پژوهش کونیشی و همیل، احساسات محبت‌آمیز، صمیمیت، اعتماد و امنیت میان اعضای خانواده که از ویژگی‌های خانواده‌های منسجم است، در کاهش رفتارهای قلدرانه تأثیر دارد (کونیشی و همیل، ۲۰۰۹، ص ۳۴۰). بنابراین انتظار می‌رود انسجام خانوادگی رابطه منفی و معناداری با قلدری داشته باشد.

از سوی دیگر، یافته‌ها نشان داد سبک‌های فرزندپروری ادراک شده نقش میانجی معناداری در رابطه بین متغیرهای خانوادگی و رفتار قلدری ایفا می‌کند. بدین معنا که خانواده‌هایی با انسجام بالا و ارتباطات مناسب، سبک‌های فرزندپروری مؤثرتری را به‌کار می‌گیرند و این سبک‌ها نیز در کاهش رفتار قلدری مؤثرند. به ویژه، سبک فرزندپروری مقتدرانه، که ترکیبی از گرمی و نظارت والدینی است، با کاهش رفتارهای پرخاشگرانه در نوجوانان مرتبط دانسته شده است (بامریند، ۱۹۹۱؛ ص ۶۳، وانگ و همکاران، ۲۰۲۰، ص ۱۵).

نتایج غیرمستقیم مدل نیز نشان داد که انسجام خانوادگی و الگوی ارتباطات خانواده از طریق تأثیر بر سبک‌های فرزندپروری، به شکل معناداری رفتار قلدری را کاهش می‌دهند. این یافته با مدل واسطه‌ای بندورا (۱۹۸۶) و نظریه یادگیری اجتماعی نیز همراستاست؛ به‌ویژه اینکه سبک‌های فرزندپروری به‌عنوان الگوهای رفتاری اولیه، درونی‌سازی هنجارها و کنترل هیجانات را در کودک شکل می‌دهند و می‌توانند در شکل‌دهی رفتارهای اجتماعی یا ضد اجتماعی نقش تعیین‌کننده داشته باشند.

علاوه بر این، شاخص نیکویی برازش مدل ($GOF = 0.509$) نشان داد که مدل پژوهش از برازش کلی مطلوبی برخوردار است. براساس ملاک‌های وتزلز و همکاران (۲۰۰۹)، مقدار به‌دست‌آمده از سطح "قوی" محسوب می‌شود که نشان‌دهنده قدرت تبیین بالای مدل مفهومی پژوهش در پیش‌بینی رفتار قلدری است. این یافته نشان می‌دهد که مدل مفهومی پیشنهادی پژوهش، می‌تواند الگویی نظری و تجربی برای مطالعات آتی در حوزه روان‌شناسی اجتماعی و تربیتی فراهم سازد. از نظر کاربردی، نتایج پژوهش اهمیت آموزش‌های خانواده‌محور را در کاهش رفتار قلدری در محیط‌های آموزشی برجسته می‌سازد. پیشنهاد می‌شود که برنامه‌های مشاوره خانواده، کارگاه‌های والدگری مثبت، و آموزش سبک‌های فرزندپروری مقتدرانه به‌عنوان مداخله‌های مؤثر در مدارس و مراکز مشاوره خانواده اجرا شوند.

با این وجود، پژوهش حاضر دارای محدودیت‌هایی است. نخست، استفاده از روش خودگزارشی در جمع‌آوری داده‌ها ممکن است تحت تأثیر سوگیری‌های اجتماعی قرار گرفته باشد. دوم، پژوهش صرفاً بر روی جامعه آماری دختران نوجوان در یک منطقه جغرافیایی خاص انجام شده است و نتایج آن قابلیت تعمیم به سایر جنسیت‌ها یا فرهنگ‌ها را ندارد. بنابراین، انجام پژوهش‌های آینده بر روی نمونه‌های پسران، بررسی تفاوت‌های جنسیتی، و بهره‌گیری از روش‌های کیفی یا ترکیبی می‌تواند به غنای یافته‌ها بیفزاید. در جمع‌بندی می‌توان گفت که انسجام در روابط خانوادگی و سبک‌های فرزندپروری مؤثر، نقش کلیدی در پیشگیری از رفتارهای پرخاشگرانه و

قلدری در نوجوانان دارند. توجه به این عوامل در تدوین برنامه‌های پیشگیرانه و آموزشی می‌تواند در ارتقای سلامت روان و اجتماعی نوجوانان مؤثر واقع شود.

سپاسگزاری

نویسندگان مراتب تشکر خود را از همه کسانی که در انجام این پژوهش نقش داشته‌اند اعلام می‌دارند.

تعارض منافع

در این پژوهش هیچ‌گونه تعارض منافع اعلام نشده است.

منابع مالی

این پژوهش از حمایت مالی برخوردار نبوده است.

References

- Acosta, J., Chinman, M., Ebener, P., Malone, P. S., Phillips, A., & Wilks, A. (2019). Evaluation of a whole-school change intervention: Findings from a two-year cluster-randomized trial of the restorative practices intervention. *Journal of youth and adolescence*, 48, 876-890. <https://doi.org/10.1007/s10964-019-01013-2>
- Armitage, R. (2021). Bullying in children: impact on child health. *BMJ paediatrics open*, 5(1). [10.1136/bmjpo-2020-000939](https://doi.org/10.1136/bmjpo-2020-000939)
- Asgari, Z. (2023). relationship between online pornography and sexual function and family cohesion in educated couples in Bandar Abbas University. *New Paradigms in Educational Research*, 1(2), 67-82. [Persian]
- Bandura, A. (1986). Social foundations of thought and action. *Englewood Cliffs, NJ*, 1986(23-28), 2.
- Baumrind, D. (1991). The influence of parenting style on adolescent competence and substance use. *The journal of early adolescence*, 11(1), 56-95. <https://doi.org/10.1177/02724316911111004>
- Booker, J. A., Ollendick, T. H., Dunsmore, J. C., & Greene, R. W. (2016). Perceived parent–Child relations, conduct problems, and clinical improvement following the treatment of oppositional defiant disorder. *Journal of Child and Family Studies*, 25, 1623-1633. <https://doi.org/10.1007/s10826-015-0323-3>
- CANDEL, O. S., & JITARU, M. (2022). THE BIDIRECTIONAL RELATIONSHIP BETWEEN CYBERBULLYING AND THE FAMILY ENVIRONMENT. *Cyberbullying*, 167.
- Cassidy, T. (2009). Bullying and victimisation in school children: The role of social identity, problem-solving style, and family and school context. *Social Psychology of Education*, 12, 63-76. <https://doi.org/10.1007/s11218-008-9066-y>
- Charalampous, K., Demetriou, C., Tricha, L., Ioannou, M., Georgiou, S., Nikiforou, M., & Stavrinides, P. (2018). The effect of parental style on bullying and cyber bullying behaviors and the mediating role of peer attachment relationships: A longitudinal study. *Journal of adolescence*, 64, 109-123. <https://doi.org/10.1016/j.adolescence.2018.02.003>
- Espelage, D. L., & Holt, M. K. (2013). Bullying and victimization during early adolescence: Peer influences and psychosocial correlates. In *Bullying behavior* (pp. 123-142). Routledge.
- Espelage, D. L., Low, S., Rao, M. A., Hong, J. S., & Little, T. D. (2014). Family violence, bullying, fighting, and substance use among adolescents: A longitudinal mediational model. *Journal of Research on Adolescence*, 24(2), 337-349. <https://doi.org/10.1111/jora.12060>
- Farid, A., & Mosleh, S. Q. (2024). Testing the Structural Model of Student Bullying Based on Social-emotional Competence with the Mediating Role of Attachment Styles. *The Journal of New Thoughts on Education*, 20(3), 7-20. [10.22051/jontoe.2022.40247.3575](https://doi.org/10.22051/jontoe.2022.40247.3575)
- Fallahnejad, M., Ebahimi Qavam, S., Dortaj, F., Borjali, A., & Farrokhi, N. (2024). Compilation and testing of academic adjustment model based on perceived parenting styles with the mediation of psychological capital, quality of life and academic emotions. *Journal of Psychological Science*, 1285-1300. [Persian] [10.52547/JPS.23.138.1285](https://doi.org/10.52547/JPS.23.138.1285)

- Gaffney, H., Ttofi, M. M., & Farrington, D. P. (2019). Evaluating the effectiveness of school-bullying prevention programs: An updated meta-analytical review. *Aggression and violent behavior*, 45, 111-133. <https://doi.org/10.1016/j.avb.2018.07.001>
- Georgiou, S. N. (2008). Bullying and victimization at school: The role of mothers. *British Journal of Educational Psychology*, 78(1), 109-125. <https://doi.org/10.1348/000709907X204363>
- Gómez-Ortiz, O., Romera, E. M., & Ortega-Ruiz, R. (2016). Parenting styles and bullying. The mediating role of parental psychological aggression and physical punishment. *Child abuse & neglect*, 51, 132-143. <https://doi.org/10.1016/j.chiabu.2015.10.025>
- Grolnick, W. S., Deci, E. L., & Ryan, R. M. (1997). Internalization within the family: The self-determination theory perspective. *Parenting and children's internalization of values: A handbook of contemporary theory*, 44, 135-161.
- Hirschi, T. (1969). Causes of Delinquency University of California Press Berkeley. *CA Google Scholar*.
- Koerner, F. A., & Mary Anne, F. (2002). Understanding family communication patterns and family functioning: The roles of conversation orientation and conformity orientation. *Annals of the International Communication Association*, 26(1), 36-65. doi.org/10.1080/23808985.2002.11679010
- Konishi, C., & Hymel, S. (2009). Bullying and stress in early adolescence: The role of coping and social support. *The Journal of Early Adolescence*, 29(3), 333-356. <https://doi.org/10.1177/0272431608320126>
- Kuppens, S., & Ceulemans, E. (2019). Parenting styles: A closer look at a well-known concept. *Journal of child and family studies*, 28(1), 168-181. <https://doi.org/10.1007/s10826-018-1242-x>
- Liu, J., & Graves, N. (2011). Childhood bullying: A review of constructs, concepts, and nursing implications. *Public health nursing*, 28(6), 556-568. <https://doi.org/10.1111/j.1525-1446.2011.00972.x>
- Mahmoudpour, A., Darba, M., Khanjani Veshki, S., & Pasha, S. (2020). Predicting student's academic competence based on parenting styles, perceived self-efficacy and emotion regulation. *The Journal Of Psychological Science*, 19(93), 1115-1124. [Persian] [20.1001.1.17357462.1399.19.93.11.3](https://doi.org/10.17357462.1399.19.93.11.3)
- Moradi, M., & Cheraghi, A. (2014). The causal empirical model of the relationships between perceptions of family communication patterns, perceptions of classroom structure, motivation and academic self-regulation, and academic vitality in high school adolescents. *Journal of Teaching and Learning Studies*, 1(6), 113-140. [Persian] [10.22099/jtli.2014.2700](https://doi.org/10.22099/jtli.2014.2700)
- Moss, R. H., & Moos, B. S. (2009). Family Environment Scale. Manual and sampler set: Development, applications and research.. Published by Mind Garden.
- Murray-Harvey, R., & Slee, P. T. (2010). School and home relationships and their impact on school bullying. *School psychology international*, 31(3), 271-295. <https://doi.org/10.1177/0143034310366206>
- Nocentini, A., & Menesini, E. (2016). KiVa anti-bullying program in Italy: Evidence of effectiveness in a randomized control trial. *Prevention science*, 17, 1012-1023. <https://doi.org/10.1007/s11121-016-0690-z>
- Olweus, D. (2013). School bullying: Development and some important challenges. *Annual review of clinical psychology*, 9(1), 751-780. <https://doi.org/10.1146/annurev-clinpsy-050212-185516>
- Ritchie, L. D., & Fitzpatrick, M. A. (1990). Family communication patterns: Measuring intrapersonal perceptions of interpersonal relationships. *Communication research*, 17(4), 523-544. <https://doi.org/10.1177/009365090017004007>
- Rohner, R. P. (1986). The warmth dimension: Foundations of parental acceptance-rejection theory.
- Spriggs, A. L., Iannotti, R. J., Nansel, T. R., & Haynie, D. L. (2007). Adolescent bullying involvement and perceived family, peer and school relations: Commonalities and differences across race/ethnicity. *Journal of Adolescent Health*, 41(3), 283-293. <https://doi.org/10.1016/j.jadohealth.2007.04.009>
- Tang, J. J., Yu, Y., Wilcox, H. C., Kang, C., Wang, K., Wang, C., ... & Chen, R. (2020). Global risks of suicidal behaviours and being bullied and their association in adolescents: School-based health survey in 83 countries. *EClinicalMedicine*, 19.
- Tavoli, A., & Zandnejad, F. (2023). Mediating Role of Callous-Unemotional Traits in the Relationship between Family Social Support and Adolescent Girls' Bullying. *The Journal of New Thoughts on Education*, 19(3), 45-65. [10.22051/jontoe.2022.40444.3587](https://doi.org/10.22051/jontoe.2022.40444.3587)
- Vangelisti, A. L. (Ed.). (2013). *The Routledge handbook of family communication*. UK: Routledge.
- Wang, M. T., Degol, J. L., Amemiya, J., Parr, A., & Guo, J. (2020). Classroom climate and children's academic and psychological wellbeing: A systematic review and meta-analysis. *Developmental Review*, 57, 100912. <https://doi.org/10.1016/j.dr.2020.100912>

- Wetzels, M., Odekerken-Schröder, G., & Van Oppen, C. (2009). Using PLS path modeling for assessing hierarchical construct models: Guidelines and empirical illustration. *MIS quarterly*, 177-195. <https://doi.org/10.2307/20650284>
- Zhou, Z., Chen, Y. Y., Yang, B., Qu, Y., & Lee, T. H. (2023). Family Cohesion Moderates the Relation between Parent-Child Neural Connectivity Pattern Similarity and Youth's Emotional Adjustment. *Journal of Neuroscience*, 43(33), 5936-5943. <https://doi.org/10.1523/JNEUROSCI.0349-23.2023>
- Zych, I., Farrington, D. P., Llorent, V. J., & Ttofi, M. M. (2017). Protecting children against bullying and its



This article is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons AttributionNoncommercial 4.0 International (CC BY-NC-ND 4.0) (<https://creativecommons.org/licenses/by-nc-nd/4.0/>).

